ویژگی های جسمانی و روانی کودک در دوره ی دبستان

ـ ویژگی های جسمانی

رشد جسمانی در طول سال های دبستان با آهنگ آهسته و منظم اوایل کودکی ادامه می یابد در 6 سالگی ـ غالباً در جوامع توسعه یافته ـ کودک تقریباً 20 کیلو وزن و 107 سانتی متر قد دارد. طی چند سال آینده هر سال تقریباً 5 تا 8 سانتی متر به قد و 5/2 کیلوگرم به وزن وی افزوده خواهد شد.

دخترها بین 6 تا 8 سالگی اندکی کوتاه تر و سبک تر از پسران هستند اما در 9 سالگی به تدریج این روند معکوس خواهد شد و این به این دلیل است که دختران اندکی زودتر از پسران به استقبال بلوغ می شتابند.

بین 6 تا 12 سالگی تمام دندان های شیری می افتند و جای خود را به دندان های دائمی می دهند رشد استخوان های صورت به ویژه چانه و فک موجب می شود صورت کشیده تر و دهان عریض تر شود به طوری که با دندان های تان متناسب گردد.

ـ رشد حرکتی

کودکان دبستانی در مقایسه با کودکان پیش دبستانی از لحاظ جسمانی انعطاف پذیرند، به خوبی می توانند از روی موانع بپرند، تعادلشان بهبود می یابد، بهتر می دوند، طناب بازی می کنند و یا می توانند به سرعت جهت خود را تغییر دهند. طبعاً نسبت به کودکان پیش دبستانی پاک تر و نیرومندتر اند و می توانند به فاصله ی بیشتری توپ را پرتاب کنند.

رشد حرکتی ظریف نیز در سال های دبستان بهبود می یابد کودک در 6 سالگی توانایی آن را دارد تا حروف الفبا، نام خود و اعداد را از 1 تا 10 به طور واضح بنویسد. کما اینکه فعلاً اندازه نوشته های آنها قدری بزرگ است و این بدین دلیل است که به جای مچ و انگشتان از تمامی دست خود استفاده می کنند.

کودک ابتدا بر حروف بزرگ تسلط می یابد چرا که کنترل حرکات افقی و عمودی برایش ساده تر از منحنی های ریز حروف الفبای کوچک است. نقاشی کودکان نیز در این دوره بهبود قابل ملاحظه ای می یابد، کودکان در آغاز دوره دبستان می توانند تعدادی از اشکال دو بعدی را به دقت کپی کنند. به تدریج برخی نشانه های عمق مانند کوچکتر نشان دادن اشیای دور پدیدار می شوند در سال های پایانی دوره دبستان غالباً می تواند بعد سوم را نیز در نقاشی های کودکان مشاهده کرد

سطوح يادگيرى در حيطه روانى - حرکتى

 ◊ اجرای عمل بدون کمک (independent performance)

 ◊ دقت در عمل (accuracy)

 ◊ عادی شدن عمل (normality)

 ◊ مشاهده (observation) و تقلید

 ◊ هماهنگی حرکات (coordination of actions)

اين مهارت‌ها به گونه‌اى است که انجام دادن آنها نيازمند به همکارى اعصاب و ماهيچه‌ها است؛ مانند خياطي، رانندگى و جراحي. اين حيطه، بيشتر شامل مهارت‌هاى عملى در زمينه‌ەاى فنى و حرفه‌اي، تربيت‌بدني، هنر، کارهاى آزمايشگاهى و امثال آنها است. يادگيرى‌ها و هدف‌هاى آموزشى در حيطهٔ روانى - حرکتى آميخته با يادگيرى در حيطهٔ شناختى و عاطفى بوده، قابل تفکيک از آن نيست؛ به اين معنى که مهارت در انجام يک فعاليت عملي، مستلزم درک، شناخت و علاقهٔ بهتر از مفهوم و موقعيت.

موضوعات مرتبط: تعلیم وتربیت ، علوم تربیتی ، روانشناسی

برچسب‌ها: حیطه روانی حرکتی , اهداف آموزشی , حیطه های یادگیری , مشاهده , تقلید

طبقه بندي حيطه‌هاي آموزشي

معروف‌ترين طبقه بندي حيطه‌هاي آموزشي توسط بلوم ارائه شده است. اين طبقه بندي در ابتدا هنگامي كه بلوم رياست كميته روانشناسان تحصيلي را بر عهده داشت ...

معروف‌ترين طبقه بندي حيطه‌هاي آموزشي توسط بلوم ارائه شده است. اين طبقه بندي در ابتدا هنگامي كه بلوم رياست كميته روانشناسان تحصيلي را بر عهده داشت، كه هدف آن توسعه سيستمي از طبقه بندي‌هاي رفتار يادگيري براي كمك به طراحي و ارزيابي يادگيري تحصيلي بود، براي مفاهيم آكادميك ايجاد شد. اين طبقه بندي از آن زمان تا كنون به كمك بلوم و ديگر دانشمندان گسترش يافته است.

طبقه بندي بلوم بنيان‌هاي ساختار كلاسيك روش‌هاي يادگيري و سنجش «دانش؛ نگرش؛ مهارت‌ها» را تأييد مي‌كند. طبقه بندي بلوم به همراه مدل ساده‌تر «كيرك پاتريك»، پر استفاده‌ترين مدل در تحصيلات بطور خاص، و همين طور در دوره‌هاي تربيتي صنعت و شركت‌ها مي‌باشد. علت اين امر بسيار ساده مي‌باشد زيرا مدلي شفاف، ساده و موثر در توضيح دادن و استفاده كردن از موضوعات آموزشي، روش‌هاي تعليم و تربيت و همين طور ارزيابي نتايج آموزش مي‌باشد.

طبقه بندي بلوم داراي سه طبقه مي‌باشد كه عبارتند از:

موضوعات مرتبط: تعلیم وتربیت ، علوم تربیتی

برچسب‌ها: حیطه های آموزشی , هدفهای آموزشی , حیطه شناختی , حیطه روانی حرکتی

رشد كودكان و نوجوانان فرایندی پیچیده و چند بعدی است كه برخی از ابعاد آن قابل سنجش و اندازه گیر هستند. یكی از مهمترین ابعاد رشد كودك، رشد هوش است كه نظیر رشد هیجانی در طی یك فرایند حساس و ظریف و از طریق تسهیلات محیطی و موهبت های فطری تحول می یابد. علاوه بر یادگیری در درون خانواده و متغیرهای فرهنگی و اجتماعی دیگر، تحصیلات رسمی كودك در مدرسه برای افزایش توان بالقوه عملكرد او در زندگی كاملاً ضروری است. كودكی كه نتواند به اندازه كافی و مناسب از آموزش رسمی مدارس استفاده كند در زندگی با مشكل مواجه خواهد شد.

خوشبختانه امروزه شناخت دقیقی از چگونگی رشد هوش و شناخت كودكان وجود دارد. نمره های 85 و بالاتر از آن در آزمونهای استاندارد هوش نشان دهنده هوش عادی هستند. نمره های كمتر از 71 نشان می دهند كه كودك با برخی از محدودیتها و عقب ماندگی ها در عملكرد هوشی خود مواجه هست.

نمره های بین 70 تا 84 نشان دهنده هوش مرزی یا دیرآموزی می باشند. واضح است كه كودكان دیرآموز بر اساس نمره آزمون هوش، جایگزینی آموزشی و روشهای آموزشی تعریف می شوند. این كودكان در عملكرد رفتارهای انطباقی ضعیف بوده و نه تنها در معرض خطر شكست تحصیلی قرار دارند بلكه از نظر بهداشت روانی نیز در مخاطره قرار دارند.

از طریق آزمونهای استاندارد، علائم و نشانه های رفتاری ، شناختی و عاطفی می توان این دانش آموزان را شناسایی نمود. این كودكان عقب مانده نیستند اما دارای ویژگی های خاصی هستند. یادگیری این كودكان دیرتر صورت می گیرد و اصطلاحاً كندآموز هستند. نمره های آنها در مدرسه ضعیف است و ممكن است در بعضی از كلاسها مردود شوند. این كودكان رفتارهایی دارند كه منعكس كننده توجه و تمركز ضعیف، تاًخیر و كندی در پاسخدهی، گرایش به سوی فعالیتهای عینی و ابتدایی، اختلاهای عمومی، بیش فعالی، تكانشی بودن، تحمل كم در برابر ناملایمات و محرومیت ها، نوسانات خلقی، عواطف ابلهانه، دلتنگی، خشم، ترس و پایین بودن اعتماد به تفس آنها می باشد. این كودكان بسیاربی تجربه به نظر می آیند. با این همه، این دانش آموزان به آسانی از سوی متخصصان و پزشكان تشخیص داده نمی شوند.

بیشتر اوقات كودكی كه دارای اختلال بیش فعالی/كمبود توجه و یا اختلال یادگیری تشخیص داده می شود دارای یك شرط اساسی هوش مرزی است كه با مشكلات شدید توجه و تمركز مشخص می شود. معمولاً مشكلات عاطفی و رفتاری نیز به مشكلات تحصیلی این كودكان اضافه می شود. تشخیص دشوار و اكثراً نادرست موجب می شود كه مداخلات به نتایج ضعیفی منجر شوند و یا گاهی اختلالات بیشتری برای كودك ایجاد كنند. مشكلات تحصیلی كودكان دیرآموز ;این كودكان بیشتر در درسهای ریاضیات و فارسی با مشكل مواجه می شوند. نتایج امتحانی آنها از سایر همكلاسانشان كمتر است. نتایج ممكن است آنقدر ضعیف باشد كه آنها را به كلاس و پایه پایینتر منتقل كنند.

كلاس اول و دوم ابتدایی برای این دانش آموزان بسیار دشوار است اما بعد از كسب مفاهیم لازم و در كلاسهای سوم و چهارم مشكلات كمتری دارند. این كودكان در كلاس اول، در شناخت و تشخیص حروف، خواندن درس و یا درك معنای چیزی كه خوانده اند مشكل دارند.بسیاری از آنها تمایلی به نوشتن دیكته نشان نمی دهند و آنهایی كه دیكته می نویسند اشتباهات زیادی مرتكب می شوند. كودكان دیرآموز اعداد را می شناسند اما در محاسبه هایی كه حاصل آنها بیشتر از 10 باشد مشكل دارند نمی توانند از 10 به 1 بشمارند و روابط و نظم حاكم بین این اعداد را درك نمی كنند.

حل مسائل ریاضی برای آنها بسیار دشوار است. در سال دوم، این كودكان برخی از مفاهیم مربوط به كودكان عادی را كسب كرده اند اما هنوز در خواندن و درك معنای متن مشكلاتی دارند. برای آنها خیلی سخت است كه جمله های ساده ای در مورد خودشان بگویند یا بنویسند.هنوز در دیكته مشكلات زیادی دارند و در حل مسائل ریاضی ضعیف هستند؛در پایان سال سوم، برخی از تواناییهای این كودكان پیشرفت قابل ملاحظه ای نشان می دهد. آنها می توانند به طور مستقل و بدون نظارت مستقیم یك متن را بنویسند و تلفظ آنها نسبت به سالهای قبل خیلی بهتر می شود. با این وجود، اول حروف و سیلابها را می خوانند و سپس آنها را به هم متصل می سازند و نمی توانند به سوالاتی كه در باره یك متن از آنها پرسیده می شود جواب دهند.

تقریباً 25% دانش آموزان دیرآموز بر عمل جمع و تفرق مسلط می شوند اما همچنان در ضرب ، تقسیم و حل مسائل ریاضی مشكل دارند. این كودكان كمتر از سایر كودكان موفق به گذراندن امتحان نهایی كلاس پنجم می شوند و احتمال ترك تحصیل در دوره راهنمایی در آنها زیاد است به طور كلی سن ذهنی این كودكان از سن ذهنی كودكان همسن كمتر است. از نظر هوش كلامی ، گنجینه لغات كمتری دارند. آنها به سختی می توانند چیزهایی را كه در تصویر می بینند بیان كنند.

این كودكان به جای آنكه اعمال و فعالیتهای یك تصویر را توصیف كنند ، چیزها را نام می برند. ظرفیت و دامنه

ظرفیت و دامنه حافظه كوتاه مدت آنها كمتر است تفكر آنها بیشتر عینی، ملموس و انعطاف ناپذیر است و كمتر قادر به بازگشت پذیری هستند. در مقایسه كردن امور با هم مشكل دارند. نمی توانند از دانش ریاضی خود در خارج از محیط مدرسه استفاده كنند. آگاهی و جهت گیری زمانی آنها ضعیف است. نقاشی های این كودكان بسیار ساده، ناپخته و با جزئیات كمتری همراه است. مهارتهای فراشناختی آنها بسیار ضعیف است. آنها نمی دانند كه چه چیزی یادگیری آنها را كاهش می دهد و چگونه می توانند یادگیری خود را افزایش دهند. یادگیری این كودكان ناقص و بسیار كند است.

دانش آموزان دیرآموز در انجام تكالیف یادگیری بسیار بی دقت عمل می كنندزیرا: توجه به درس و تكلیف را خیلی زود دست می دهند و خیلی زود به این نتیجه می رسند كه درس را خوب یاد گرفته و یا تكلیف را كامل كرده اند این كودكان تكالیف و تمرینات خود را دست كم می گیرند و زمان كافی برای یادگیری آنها اختصاص نمی دهند. زمان فیزیكی صرف شده از سوی این كودكان كمتر از سایرین نیست اما كوتاهتر از آن چیزی است كه برای توانایی یادگیری آنان مناسب باشد. هرچند دیرآموزان از چند استراتژی فراشناختی استفاده می كنند، اما یادگیری آنها مكانیكی است. آنها تلاش نمی كنند كه بین قسمتهای مختلف درسی كه یاد می گیرند یك رابطه منطقی ایجاد كنند.

مقایسه مهارتهای حرکتی دانش آموزان کلاس اول دختر و پسر منطقه 3 آموزش و پرورش استان تهران

سپیده نازی

ثریا رحیم زاده رهبر

حسین کریمی

چکیده: "هدف: این پژوهش تحقیقی است توصیفی ـ تحلیلی که به منظور یافتن تفاوت های مهارت های حرکتی دختران و پسران 7 ساله در سال 83 به انجام رسیده است.

روش بررسی: جامعه مورد نظر شامل 120 نفر (60 دختر و 60 پسر) می باشد که از 6 دبستان از منطقه 3 آموزش و پرورش انتخاب شده اند. نمونه گیری به روش تصادفی ساده انجام شده است. ابزار تحقیق شامل مقیاس رشد حرکتی لینکلن اوزورتسکی و پرسشنامه مربوط به اطلاعات شخصی می باشد. بعد از انجام ارزیابی های انفرادی و جمع آوری داده ها، کلیه اطلاعات با استفاده از نرم افزارspss و آزمون sample T - Test تجزیه و تحلیل گردیده و مقایسه میانگین نمرات مهارت های حرکتی انجام گرفت.

یافته ها: یافته های حاصل در ارتباط با اهداف پژوهش نشان دادند که بین میانگین نمرات مهارتهای حرکتی کلی، تعادل کلی، تعادل با چشم باز، تعادل با چشم بسته، تعادل داینامیک و استاتیک با چشم باز، هماهنگی حرکتی دو طرفه، هماهنگی اندام های فوقانی، هماهنگی اندام های فوقانی ـ تحتانی و دقت وسرعت حرکتی در دو گروه دختران و پسران کلاس اول ابتدایی تفاوت معنی داری وجود ندارد. تنها تفاوت معنی دار بین میانگین نمرات هماهنگی چشم و دست در دو گروه دختران و پسران می باشد.

نتیجه گیری: کاربرد نتایج این پژوهش در حیطه های مختلف درمانی ـ آموزشی رشد روانی حرکتی کودکان می باشد و می توان از این یافته ها در جهت بهبود هرچه بیشتر برنامه ریزی های مرتبط با کودکان در مراکز مختلف دولتی و غیر دولتی بهره برد."

خصوصيات رواني - حركتي

دانش آموزان كلاس هاي اول تا سوم در معرض تجربه هاي بزرگ قرار دارند عادت به كم كاري و يا فعاليت و تحرك در اين دوره در انش آموزان پديد مي آيد بنابراين لزوم تدوين برنامه هاي مناسب حركتي براي دانش آموزان در برنامه هاي آموزشي امري اجتناب ناپذير مي نمايد.

در اين دوره رشد حركتي دختران و پسران متفاوت است. دختران در مهارت هاي مربوط به ماهيچه هاي كوچك و ظريفتر كه نياز به دقت بيشتري دارد مانند نقاشي و ... بر پسران برتري پيدا مي كنند در حالي كه پسران در مهارت هاي مربوط به ماهيچه هاي درشت تر و قويتر مثل پرش ، پرتاب توپ بسكتبال و واليبال و ... بر دختران برتري دارند.

كودكان در سنين شش تا نه سال بايد در مهارت هاي بنيادي در قالب بازي هاي ورزشي نظير انداختن و گرفتن توپ ، ضربه زدن به توپ ، راه رفتن ، دويدن ، صعود كردن و نيز مهارت هاي دوچرخه سواري ، شنا و ... مهارت كافي پيدا كنند. سرع انتقال مهارت كودكان در اين دوره حدود نصف ميزان سرعت انتقال بزرگترهاست . در اجراي حركات نيز پيشرفت هايي حاصل مي شود به طوري كه طول گام در راه رفتن و دويدن بيشتر و تعادل بدن كاملتر مي شود . جهيدن ، پريدن و لي لي كردن را خيلي سريع ياد مي گيرند و نواقص مهارتي خود را رفته رفته مرتفع و با چابكي و زيبايي حركات را انجام مي دهندو قادرند از روي موانع كوتاه بپرند. دانش آموزان در اين سنين قادرند حركات اوليه برخي از بازي ها را ياد بگيرند به طوري مثال توپ را به نقطه معيني از ديوار بزنند و دوباره آن را بگيرند .

از هدف هاي مهم تربيت بدني در اين دوره كمك به دانش آموزان براي تقويت كنترل عضلات و افزايش قابليت هاي حركتي از طريق آموزش صحيح حركات بنيادي است. همچنين عادت به فعاليت و حركت ، آموزش قوانين و مقررات و حل مسئله از طريق فعاليت و حركت يكي ديگر از اهداف تربيت بدني براي كلاس هاي اول تا سوم دبستان است.

ویژگی های کودکان کلاس اولی

باتوجه به خصوصیات وویژگی های کودکان در این سنین ، تدریس در کلاس اول ابتدایی ویژگی

 های خاصی را می طلبد تا آموزگار بتواند کودکان را به درس وتحصیل علاقمند سازد وبه سوالات

 کنجکاوانه ی آنها پاسخ مطلوبی را بدهد.واستعداد های بالقوه ی آنها را به بالفعل تبدیل

 بسازد.حضرت علی (ع)در این مورد می فرماید:آموزش به کودک ، چون نقش برسنگ نهادن

 است. لذایک معلم کلاس اول ابتدایی ، باید دردرجه نخست به خصوصیات کودکان 7-6ساله کاملا

 واقف باشد. مانند رشد ذهنی ، اجتماعی ، مهارت های زبانی ، مهارت های حرکتی ، و... تابنواند

 با توجه به آن روش های تدریس ومطالب آموزشی را بر اساس آن تنظیم وبه کودکان تفهیم کنند

 وبه اهداف کلی تعلیم تربیت برسند.

این کودکان ، اکثرا داری خصوصیاتی به شرح زیر می باشند :

1- ازنظررشد جسمی به محرکات خارجی پاسخ می دهند

2- اندام های حسی وحرکتی خود را با مهارت به کار می برند

3- از چارچوب خانواده جدا شده ، به نظریه های متفاوت دیگران پی می برند وتا آن جایی که می توانند ، خود را به دیگران تصور می کنند

4- برای شرکت در بازی های گروهی زبان مشترک دارند

5- کنجکاوی آنها به صورت جستجویی هدف دار درآمده وخود بینی آنها تعدیل شده است

6- پیوندهای عاطفی افراطی آنها بی آنکه سستی پذیرفته باشد معقول تر شده است

7- کم کم به اصول حاکم در طرزتفکر بزرگان پی برد ه اند

8- بازندگی گروهی آشنا شده وبرای بهره مندی از مصاحبت های دیگران به گذشت های تن در دهند

شناسایی کودک وتبدیل کلاس به محیطی شاد

اولین رمز موفقیت معلمان در پایه اول ابتدایی شناسایی کودکان ازنظر ویژگی های ذهنی ،

 روانی وخانوادگی و پی بردن به تفاوت های دربین آنان است

بعد از مسا له شناسایی کودک موضوع حایز اهمیت دراین پایه تبدیل کردن کلاس ومحیط

 آموزشی به محیطی شاد ومورد پسند دانش آموزان است. زیرا کودکانی که تازه ازمحیط

 خانواده جداشده وپابه یک محیط جمعی نهاده اند ، همواره دستخوش فشار های روانی

 واضطراب های حاصل از این جدایی هستند وچنانچه می دانیم اضطراب وفشار های روانی

 فعالیت های ذهنی وقدرت یادگیری بچه ها را کاهش می دهد . بنابرین اگر مابتوانیم این محیط

 آموزشی را طوری شاد ومفرح ،خوشایند ،همراه با شور ونشاط وشادی بابرخورد های آگاهانه

 وملاطفت آمیزخویش که اقتضای سنی کودک بوده فراهم آوریم باعث بوجود آمدن آرامش روانی

 ، انبساط خاطروبالا بردن توان یادگیری وافزایش سازگاری کودک وکلا برخورداری از احساسات

 خوشایندنسبت به کلاس ومحیط مدرسه ومعلم خواهیم شدوزمینه های شکوفایی استعداد

 آنهارا هموار خواهیم ساخت